

## همسانی شخصیتی، پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی

### مختار عارفی<sup>۱</sup>

گروه روان شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه

### فرشاد محسن زاده

گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران

### زهرا قزلباشیان

گروه روان شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه

### آتوسا صادقیپور

گروه روان شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه

### دلنیا شیخ اسمعیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه

پذیرش: ۹۳/۷/۲

دریافت: ۹۳/۳/۲۳

### چکیده

**هدف:** هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه همسانی شخصیتی زوجین، پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی بود.

**روش:** این مطالعه از نوع همبستگی بوده و از میان والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر کرمانشاه تعداد ۳۹۲ نفر (زن و مرد به سهم مساوی) به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان فرم کوتاه پرسشنامه نئو (کاستا و مک کرا، ۱۹۹۲)، مقیاس سازگاری زناشویی (اسپاینر، ۱۹۷۶) و پرسشنامه انریچ (اولسن و همکاران، ۱۹۸۷) را تکمیل کردند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان دادند رضایت زناشویی با عوامل وظیفه‌شناسی، برونگرایی، توافق، همبستگی مثبت و با روان رنجورخویی همبستگی منفی دارد. نتایج رگرسیون همزمان حاکی از آن بود که همسانی شخصیتی زوجین در عامل روان رنجورخویی (به‌طور منفی) و برونگرایی، توافق و وظیفه‌شناسی (به‌طور مثبت) ۲۹٪ رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

**نتیجه‌گیری:** ویژگی‌های شخصیتی از جمله روان رنجورخویی، برونگرایی، توافق و وظیفه‌شناسی می‌توانند میزانی از واریانس رضایت زناشویی زوجین را تبیین کنند. افراد هنگامی در زندگی زناشویی احساس رضایت دارند که پروفایل شخصیتی مشابه با همسرشان داشته باشند.

**واژگان کلیدی:** همسانی شخصیتی، پنج عامل شخصیت، رضایت زناشویی.

## مقدمه

عوامل درون فردی و بین فردی می‌توانند بر رابطه زناشویی اثر بگذارند. عوامل درون فردی غالب، خصایص شخصیتی هستند (سبک‌های هیجانی، ارتباطی، تجربیاتی، نگرشی و انگیزشی یک فرد که در گذر زمان ثابت فرض می‌شوند) (کوستاو مک‌کرای<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). پژوهش در ازدواج با تمرکز بر ویژگی‌های شخصیتی زوجین آغاز گردیده است. اولین پژوهش ازدواج به کتاب ترمن، باترویزر، فرگوسن، جانسون و ویلون (۱۹۳۸، نقل شده در عارفی، ۱۳۹۱) مربوط می‌شود. این مؤلفان به صورت مشخص یک سؤال پژوهش داشتند که اساساً چه تفاوتی بین زوج‌های شاد و ناشاد وجود دارد؟ این سؤالی است که هنوز متخصصان و پژوهشگران خانواده و ازدواج در پی یافتن پاسخ آن هستند. ترمن و همکاران براساس نظریه شخصیت فردی کار می‌کردند و سؤال فوق را بدین شکل صورت بندی مجدد کردند که آیا برخی خصایص شخصیتی برای شکل‌دهی ازدواج‌های موفق مناسب‌تر هستند؟ آنها نتوانستند پروفایل شخصیتی مشخصی برای افراد با ازدواج موفق پیدا کنند، افراد ناموفق در ازدواج نیز گستره وسیعی از شکایات را گزارش کردند، پدیده‌ای که بعدها نوروگرایبی یا منفی‌گرایی عاطفی نامیده شد. علی‌رغم اینکه متغیرهای شخصیتی در پیش‌بینی پیامدهای ازدواج موفقیت متوسطی داشتند با این حال، بوچارد، لسیر و سابورین<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) اشاره می‌کنند که این پژوهش‌ها از جامعیت کافی برخوردار نبوده‌اند، به‌طور مثال اغلب این پژوهش‌ها فقط به بررسی یک یا چند ویژگی شخصیتی پرداخته‌اند و برخی دیگر نیز صرفاً از دیدگاه آسیب‌شناختی تأثیر اختلالات شخصیتی بر پیامدهای ازدواج را بررسی کرده‌اند. انتقادهای روش شناختی وارد شده به پژوهش‌های پیشین از یک سو و توفیق اندک مداخلات مبتنی بر تعاملات دوتایی زوجین (برلسون و دنتون، ۱۹۹۷؛ جکوبسون و کریستنسن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶) مجدداً توجهات زیادی را به سمت خصیصه‌های شخصیتی معطوف داشته است.

1. Costa, & McCrae
2. Bouchard, Lussier, & Sabourin
3. Jacobson & Christensen

مطالعات متعددی نشان می‌دهند که عوامل شخصیتی خاصی می‌توانند کیفیت زناشویی را پیش‌بینی کنند. به طور مثال، در پژوهش بنتلر و نیوکومب<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) عوامل شخصیتی بهتر از عوامل جمعیت شناختی (سن، تحصیلات و ...) توانست بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی کند. ارتباط بین عوامل شخصیتی و پیامدهای زناشویی با به کارگیری طرح‌های پژوهش مقطعی (لانگ و اندروز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰؛ راسل و ولز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴ و غیره) و طولی (کارنی و بردبری<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴؛ سنیدر و رگنز<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰) مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش‌ها متغیر ملاک، مؤلفه‌های کیفیت زناشویی نظیر سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی و وضعیت ازدواج (طلاق گرفته، جدا شده یا پابرجا) بوده‌اند.

سطح روان رنجورخویی یک فرد پیوسته‌ترین و قوی‌ترین پیش‌بین شخصیتی پیامدهای ارتباطی بوده است. روان رنجورخویی گزارش شده توسط خود فرد روابط معکوسی با شاخص‌های مثبت کیفیت زناشویی نشان داده است (باس<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱؛ گیست و گیلبرت<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶؛ کردک<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷). به طور مثال نتایج یک مطالعه طولی که بر روی ۳۰۰ زوج و در طی دوره زمانی ۵۰ ساله به انجام رسید نشان داد که سطح روان رنجورخویی هر دو همسران یک تعیین‌کننده کلیدی کیفیت زناشویی بود (رز<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ کلی و کنلی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۷). به طور خاص، زوج‌هایی که طلاق گرفته بودند، یا از زندگی زناشویی ناراضی بودند سطح روان رنجورخویی قبل از ازدواج شان بالاتر بود. در مورد عامل برونگرایی<sup>۱۱</sup> نتایج تا حدی متناقض است. براساس پژوهش‌های گوناگون بین برونگرایی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت (ریچموند، کریگ و

1. Bentler & Newcomb
2. Long & Andrews
3. Russell, & Wells
4. Kamey & Bradbury
5. Snyder & Regts
6. Buss
7. Geist & Gilbert
8. Kurdek
9. Rose
10. Kelly & Conley
11. extraversion

روزیکا، ۱۹۹۱، قلی زاده و همکاران، ۱۳۸۹)، رابطه منفی (گیست و گیلبرت، ۱۹۹۶) و عدم رابطه (راسل و ولز، ۱۹۹۴؛ رازقی و همکاران، ۱۳۹۰) گزارش شده است. لیستر<sup>۱</sup> و دیگران (۱۹۸۹) دریافتند هنگامی که برونگرایی در هر دو زوج بالاست نارضایتی زناشویی افزایش می‌یابد. در مورد عوامل شخصیتی دیگر یعنی توافق<sup>۲</sup> (توافق‌پذیری)، وظیفه‌شناسی<sup>۳</sup> و انعطاف‌پذیری<sup>۴</sup> (گشودگی) بیشتر پژوهش‌ها (از جمله بوتوین، باس و شاکلفورد، ۱۹۹۷؛ باس، ۱۹۹۱؛ راسل و ولز، ۱۹۹۴؛ عطاری و همکاران، ۱۳۸۵؛ رازقی و همکاران، ۱۳۹۰؛ قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹) رابطه مثبت این عوامل با سازگاری زناشویی را نشان دادند.

بعد دیگر مطالعات مربوط به رابطه شخصیت با کیفیت زناشویی، مطالعه تأثیر همسانی شخصیت زوجین بر کیفیت زناشویی بوده است. نظریه‌پردازان‌های اولیه دلالت دارند که تشابه در شخصیت، نگرش‌ها، و ارزش‌ها باعث ارتقاء جذابیت و رضایت ارتباطی می‌گردند (برلسون و دنتون، ۱۹۹۲؛ بایرن<sup>۵</sup>، ۱۹۷۱). چندین مطالعه نیز نشان داده‌اند که همسانی شخصیت زوجین رضایت ارتباطی بالاتری را پیش‌بینی می‌کند (اسیتلی، کنی، و وینر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ کاسپی و هربرن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۰). همسانی همچنین پیش‌بین‌کننده جذابیت اولیه بود (کلونن و لو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳) و ادراک تشابه بیش از حد واقعی با احساس فزاینده درک شدگی و رضایت از روابط همراه بوده است (گاتیس و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). ماری و همکاران<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) ویژگی‌های شخصیتی مورد مطالعه تسلط جویی، خصومت، نوروژگرای، عزت نفس و ... را مورد مطالعه قرار داد و دریافتند که همسانی شخصیتی بیشتر با ادراک به زیستی بیشتری همراه است.

1. Lester
2. agreeableness
3. conscientiousness
4. openness
5. Byrne
6. Acitelli, Kenny & Weiner
7. Caspi, &Herbner
8. Klohnen&Luo
9. Gattis, Berns, Simpson & Christensen
10. Murray, Holmes, Bellavia, Griffin, &Dolderman

پژوهش‌های مربوط به رابطه شخصیت با رضایت زناشویی بر دو موضوع اصلی متمرکز بودند. اول، کدام ویژگی‌های شخصیتی به کیفیت ادراک شده زناشویی زوجین مرتبط هستند و دوم، همسانی شخصیت زوجین چه ارتباطی با پیامدهای زناشویی دارد. موضوع اول بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده و در مقایسه با موضوع دوم از ادبیات غنی‌تری برخوردار است. مرور پژوهش‌های داخل کشور نشان می‌دهد که در مورد همسانی شخصیت زوجین و رابطه آن با رضایت زناشویی پژوهش‌هایی که از جامعیت کافی برخوردار باشد انجام نگرفته است. این پژوهش در پی این خواهد بود که با استفاده از آزمون شخصیتی نئو (NEO) هر دو موضوع فوق را پوشش دهد و در صدد پاسخ به سؤالات زیر خواهد بود.

- کدام ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند رضایت زناشویی را برای زنان و مردان پیش‌بینی کنند؟

- آیا بین میزان همسانی شخصیتی زوجین با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد؟

## روش

روش پژوهش حاضر بر حسب شیوه گردآوری داده‌ها همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زوج‌های زناشویی کرمانشاهی بود که در سال ۱۳۹۲ از ازدواج آنها حداکثر ۱۰ سال گذشته بود و سابقه طلاق نداشتند. به منظور تعیین نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. افراد نمونه والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه یک شهر کرمانشاه بودند. به منظور شناسایی افراد از تعداد ۲۷ مدارس ابتدایی ناحیه یک، تعداد ۵ مدرسه به قید قرعه انتخاب و سپس تعداد ۳ کلاس از هر مدرسه به طور تصادفی انتخاب شدند. با هماهنگی مدیر مدرسه اولیای دانش‌آموزان هر مدرسه در جلسه‌ای دعوت شدند و پرسش‌نامه‌ها در میان آنها توزیع شد در مجموع تعداد ۴۰۰ نفر زن و مرد با ملاحظه مدت ازدواج و نداشتن سابقه طلاق به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند که ۸ نفر به علت جواب‌دهی ناقص کنار گذاشته شدند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۳/۰۲ با انحراف استاندارد ۶/۰۶ با دامنه

سنی ۲۴ تا ۴۵ سال بود. میانگین سنی و انحراف استاندارد زن و مرد به ترتیب (۳۰/۷۵، ۵/۷۵) و (۳۵/۶۱، ۷/۸۷) گزارش می‌شود. ۶۰/۵ درصد شرکت‌کنندگان در موقع اجرای پرسشنامه‌ها دارای یک فرزند، ۳۰/۲ درصد، دو فرزند؛ ۷/۳ درصد، سه فرزند و کمتر از دو درصد چهار و بیش از چهار فرزند داشتند. ۴۷/۹ درصد از افراد دارای تحصیلات دیپلم یا زیر دیپلم؛ ۴۹/۲ درصد، کاردانی یا کارشناسی و ۳/۵ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند. ۵/۹ درصد افراد درآمد ماهیانه خانواده را زیر ۳۰۰۰۰۰ تومان؛ ۲۹/۳ درصد سطح ۵۰۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰۰ تومان؛ ۴۲/۵ درصد طبقه ۱۰۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰۰ تومان و ۲۱/۶ درصد درآمد ماهیانه بیش از یک میلیون تومان را گزارش نمودند.

ابزارها: پرسشنامه شخصیتی نئو<sup>۱</sup>، فرم کوتاه (NEO-FFI): در پژوهش حاضر از فرم کوتاه پرسشنامه نئو که دارای ۶۰ ماده است، استفاده شد. این پرسشنامه پنج ویژگی بزرگ شخصیتی: روان‌رنجورخویی (N)، برونگرایی (E)، انعطاف‌پذیری (O)، توافق‌پذیری (A) و وظیفه‌شناسی (C) را اندازه می‌گیرد. همچنین، هر یک از پنج ویژگی دارای ۱۲ ماده می‌باشند و آزمودنی پاسخ خود را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی انتخاب می‌کند. به علاوه، تعدادی از ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل و حداکثر نمره در هر یک از ویژگی‌های شخصیت به ترتیب بین صفر و ۴۸ متغیر می‌باشد. رابینزتن و استرال<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) ضرایب آلفای کرونباخ سازه‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی ۰/۸۸، برونگرایی ۰/۸۵، انعطاف‌پذیری ۰/۷۰، توافق ۰/۸۴ و وظیفه‌شناسی ۰/۶۲؛ و بکر<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) ضرایب آلفای کرونباخ روان‌رنجورخویی ۰/۸۶، انعطاف‌پذیری ۰/۷۱، توافق ۰/۷۷ و وظیفه‌شناسی ۰/۸۴ را به دست آوردند، که همه ضرایب قابل قبول هستند. محمدزاده ملایی (۱۳۸۴) روایی ملاکی پرسشنامه شخصیتی نئو را با استفاده از روش همزمان در پنج ویژگی شخصیتی: روان‌رنجورخویی ۰/۶۸، برونگرایی ۰/۷۱، انعطاف‌پذیری ۰/۶۵، توافق ۰/۶۷ و وظیفه‌شناسی ۰/۷۸ به دست آورده است که ضرایب

1. Neo Personality Inventory  
2. Rubinstein & Strul  
3. Beeker

محاسبه شده قابل قبول می‌باشند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای همسانی درونی برای روان رنجورخویی ۰/۷۹، برونگرایی ۰/۷۰۹، انعطاف پذیری ۰/۶۸۳، توافق ۰/۵۷۳ و وظیفه شناسی ۰/۷۹ به دست آمد.

مقیاس رضایت زناشویی: به خاطر دقت بیشتر در سنجش متغیر ملاک در این پژوهش از مجموع نمرات خرده مقیاس رضایت زناشویی مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر و خرده مقیاس رضایت زناشویی پرسشنامه انریچ استفاده شد. اسپاینر (۱۹۸۹) برای این خرده مقیاس دامنه‌ای از ضرایب آلفا (۰/۹۴-۰/۷۷) و میزان پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۹۲ را بعد از ۱۱ هفته گزارش کرد. عارفی و محسن‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی ضریب آلفای همسانی درونی ۰/۸۱۱ برای این خرده مقیاس در نمونه ۴۱۰ نفری به دست آوردند. برای خرده مقیاس رضایت زناشویی اینریچ ضریب آلفای همسانی درونی ۰/۸۱ و نمره پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۸۶ گزارش شده است (اولسن و دیگران، ۱۹۸۲). عارفی و محسن‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهش خویش ضریب آلفای همسانی درونی ۰/۸۳۲ برای این خرده مقیاس در نمونه ۴۱۰ نفری گزارش کردند. در شیوه‌ای مشابه روسن-گرندون، میرس و هیتی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهش خویش با عنوان رابطه خصیصه‌های زناشویی با رضایت زناشویی با میانجی‌گری فرایندهای تعامل زناشویی از ترکیب این دو برای سنجش رضایت زناشویی استفاده کردند. از این رو در پژوهش حاضر ابتدا نمرات فرد در هر کدام از خرده مقیاس‌ها محاسبه می‌شد و نمره نهایی رضایت زناشویی با میانگین مجموع نمره دو خرده مقیاس زن و شوهر به دست می‌آمد. به منظور رعایت اصول اخلاقی به شرکت کنندگان این فرصت داده می‌شد که از طریق ایمیل یا تلفن همراه از نتایج شخصی خویش یا نتایج کلی مطلع گردند.

1. Rosen, Grandon, Myers & Hattie



یافته‌ها

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	
۸۵/۶	۰۵/۳۱	۱۹۶	زن	روان رنجورخویی
۴۰/۶	۱۰/۳۳	۱۹۶	مرد	
۷/۶	۸/۴۱	۱۹۶	زن	برونگرایی
۱۰/۴	۴۴/۳۸	۱۹۶	مرد	
۰۶/۴	۰۵/۳۹	۱۹۶	زن	انعطاف‌پذیری
۹۳/۵	۶۳/۴۰	۱۹۶	مرد	
۰۲/۵	۳۱/۳۹	۱۹۶	زن	توافق
۸۵/۴	۰۶/۳۷	۱۹۶	مرد	
۷۳/۸	۸۳/۴۵	۱۹۶	زن	وظیفه‌شناسی
۴۸/۴	۸۶/۴۰	۱۹۶	مرد	
۸/۹۵	۳۵/۷	۱۹۶	زن	رضایت زناشویی
۵/۹۳	۳۹/۰۵	۱۹۶	مرد	
۷/۲۸	۳۷/۴۵	۱۹۶	کل	

ویژگی‌های شخصیتی

همسانی شخصیتی، پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت ..... ۵۵۹

۵۵۹

به منظور آگاهی از میانگین عملکرد و پراکندگی نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از متغیرها شاخص‌های میانگین، انحراف معیار در کل گروه در جدول ۱ گزارش شده است.

پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. رضایت زناشویی	-	-۰/۳۳*	۰/۴۷**	-۰/۰۷	۰/۲۱	۰/۶۸**
۲. روان رنجورخویی	-۰/۵۲**	-	-۰/۵۱	-۰/۱۲	-۰/۱۶	-۰/۵۲
۳. برونگرایی	۰/۷۱**	-۰/۵۴	-	۰/۰۳	۰/۳۲	۰/۳۴
۴. انعطاف‌پذیری	۰/۱۹*	-۰/۱۲	۰/۱۱	-	۰/۱۴	۰/۱۰
۵. توافق	۰/۶۴**	-۰/۴۳	۰/۳۲	۰/۲۹	-	۰/۵۰
۶. وظیفه‌شناسی	۰/۵۹**	-۰/۵۳	۰/۳۴	۰/۳۳	-۰/۵۰	-

۰/۰۵ < p: \* ۰/۰۱ < p: \*\* نمرات ردیف‌های سمت چپ از بالای جدول که ایرانیک شده‌اند، مربوط به زنان می‌باشد.

در جدول ۲ ضریب همبستگی پیرسون مرتبه صفر دو به دو متغیرهای پژوهش گزارش شده است. بین روان رنجورخویی و رضایت زناشویی رابطه منفی بود ( $r = -0.52, p < 0.001$ ). بین عامل برونگرایی ( $r = 0.71, p < 0.001$ )، توافق ( $r = 0.64, p < 0.001$ ) و وظیفه‌شناسی ( $r = 0.59, p < 0.001$ ) با رضایت زناشویی رابطه مثبت بود و بین انعطاف‌پذیری و رضایت زناشویی رابطه مثبت به دست آمد ( $r = 0.19, p < 0.05$ ).

در جدول ۲ ضریب همبستگی پیرسون مرتبه صفر دو به دو متغیرهای پژوهش گزارش شده است. بین روان رنجورخویی و رضایت زناشویی رابطه منفی بود ( $r = -0.33, p < 0.001$ ). بین عامل برونگرایی ( $r = 0.47, p < 0.001$ )، توافق ( $r = 0.21, p < 0.001$ ) و وظیفه‌شناسی ( $r = 0.68, p < 0.001$ ) با رضایت زناشویی رابطه مثبت بود و بین انعطاف‌پذیری و رضایت زناشویی رابطه منفی به دست آمد که معنادار نبود و در نتیجه فرضیه صفر رد نمی‌شود ( $r = -0.07, p < 0.05$ ).

جدول ۳. ضرایب همبستگی تفاضل نمره عوامل شخصیتی زوجین با میانگین رضایت زناشویی

تفاضل روان رنجورخویی	تفاضل برونگرایی	تفاضل انعطاف پذیری	تفاضل توافق	تفاضل وظیفه شناسی
-۰/۳۸**	-۰/۴۲**	۰/۱۱	-۰/۱۴*	-۰/۴۰**

جدول ۳ ضرایب همبستگی بین نمرات تفاضل پنج عامل شخصیتی زوجین با میانگین نمره رضایت زناشویی را نشان می‌دهد. بین رضایت زناشویی و تفاضل نمره روان رنجورخویی ( $r = -0.38, p < 0.001$ )، برونگرایی ( $r = -0.42, p < 0.001$ )، وظیفه شناسی ( $r = 0.40, p < 0.001$ ) و توافق همسران ( $r = 0.14, p < 0.05$ ) رابطه منفی بود. در مورد رابطه انعطاف پذیری و رضایت زناشویی فرضیه پژوهش تأیید نشد ( $r = 0.11, p < 0.084$ ).

جدول ۳. پیش بینی رضایت زناشویی از روی تفاضل نمرات پنج عامل زوجین

	B	SE	$\beta$	P	R	R <sup>2</sup>	F
روان رنجورخویی	-۰/۱۹۵	۰/۰۹۲	-۰/۱۵۷	۰/۰۰۱	۰/۵۳۵	۰/۲۸۶	۱۴/۱۹
برونگرایی	-۰/۳۵۳	۰/۱۱۰	-۰/۲۷۳	۰/۰۳۵			
انعطاف پذیری	-۰/۰۵۳	۰/۱۳۳	-۰/۰۲۶	۰/۶۸۸			
توافق	-۰/۲۴	۰/۰۹۷	۰/۱۹	۰/۰۰۳			
وظیفه شناسی	-۰/۱۹۲	۰/۰۷۸	-۰/۱۹۱	۰/۰۱۴			

جدول ۳ پیش بینی رضایت زناشویی را از روی تفاضل نمره عوامل شخصیتی زن و شوهر نشان می‌دهد. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان می‌دهد ضریب رگرسیون چندخطی معنادار است ( $F(5, 191) = 14.19, p < 0.001$ )،  $R^2 = 0.286$ ،  $R = 0.535$ . همچنان که جدول نشان می‌دهد. بر این اساس ضریب همبستگی چندگانه بین ترکیب خطی پنج متغیر پیش‌بین و رضایت زناشویی ۰/۵۳ بود. این سه متغیر پیش‌بین با هم ۰/۲۹ واریانس رضایت زناشویی را تبیین

می‌کنند. همچنان که جدول نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در نمرات تفاضل (عدم همسانی شخصیتی زوجین) روان رنجورخویی، برونگرایی و وظیفه شناسی، به ترتیب نمرات رضات زناشویی ۰/۱۵۷، ۰/۲۷۳ و ۰/۱۹۱ واحد کاهش می‌یابد.

### نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه همسانی پنج عامل بزرگ شخصیت زوجین کرمانشاهی با رضایت زناشویی آنها بود. نتایج توانست بیشتر انتظارات پژوهشی را برآورده سازد. به طور کلی همسانی شخصیتی زوجین با رضایت زناشویی رابطه داشت.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد همسانی شخصیتی در عامل روان رنجورخویی میان زوجین می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بین کند. به عبارتی شباهت زوجین در خصیصه روان‌رنجورخویی سطحی از رضایت زناشویی در زوجین را به همراه دارد. در همین راستا جنکینس (۲۰۰۶)، راسل و ولز (۱۹۹۱) و آیزنک و ویکفیلد (۱۹۸۱) دریافتند میان شباهت در سطح روان رنجورخویی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. همچنین نچمک و آلسن (۱۹۹۹) نشان دادند همسرانی که ویژگی‌های روان‌رنجورخویانه را به اشتراک می‌گذارند سطوحی از رضایت زناشویی را ابراز می‌کنند. این پژوهشگران تبیین می‌کنند همسانی در سطح عاطفه منفی ممکن است درک و همدلی دوسویه در ماندگی هیجانی را تسهیل کند و سازگاری زناشویی را حفظ کند. نچمک و آلسن (۱۹۹۹) با بهره‌گیری از الگوی قالبی ابراز عاطفی زن (به شیوه افسردگی) و مرد (به شیوه خصومت) بیان می‌دارند زن و شوهران موقعی راضی و راحت‌تر به نظر می‌رسند که شریک زندگی‌شان آن نوع از عاطفه منفی را نشان دهند که شبیه به بیان عاطفی مرتبط با جنس خویش است.

همسانی در سطوح وظیفه شناسی به طور معناداری با رضایت زناشویی در زن و شوهران معنادار بود. بوتوین و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی مشابه بیان داشتند زنان و مردان، همسرانی را که با خودشان در وظیفه شناسی همسان بودند، ترجیح می‌دادند. نظر به نتایج پژوهش حاضر

چنین ترجیحی معقول به نظر می‌رسد. در واقع داشتن همسری خویشان دار، قابل اعتماد و مصمم (نمره بالا در عامل وظیفه شناسی) برای فردی وظیفه‌شناس، ازدواج را مطلوب می‌نماید. نتایج پژوهش کنونی این فرضیه را که همسانی شخصیتی در عامل برونگرایی با رضایت زناشویی رابطه دارد، تأیید نمود. لیو و کلوهن (۲۰۰۵) با نتایجی همسو، بحث می‌کنند افراد تمایل دارند که همسران آنها در علائق، تفریحات و الگوهای ارتباطی مشابه باشند. هرچند در مورد رابطه بین همسانی در برونگرایی و رضایت زناشویی نتایج متناقض است. بوتوین و همکاران (۱۹۹۷) و زالسکی (۱۹۸۱) همسانی در برونگرایی را با رضایت زناشویی همسران همبسته گزارش کردند. یافته‌های جنکینس (۲۰۰۶) و آیزنک و ویکفیلد (۱۹۸۱) نشان داد میان همسانی در سطوح برونگرایی و سازگاری زناشویی رابطه‌ای وجود ندارد. در عوض لیستر و همکاران (۱۹۸۹) دریافتند سطوح بالای برونگرایی همسران با سازگاری زناشویی رابطه دارد. اما کتل و نسلرود (۱۹۹۷) دریافتند در ازدواج‌های موفق‌تر، شوهران برونگرتر و همسران درونگرتر هستند.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر بین همسانی شخصیتی در عامل توافق و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. لیو و کلوهن (۲۰۰۵)، واتسن و همکاران (۲۰۰۰) و بوتوین و همکاران (۱۹۹۷) دریافتند داشتن همسری موافق، رضایت زناشویی را به طور فوق‌العاده‌ای پیش‌بینی می‌کند. نجمک و آلسن (۱۹۹۹) نیز همسو با پژوهش حاضر گزارش کردند همسانی در توافق رضایت از رابطه را در همسران افزایش می‌دهد. همسانی در عامل شخصیتی انعطاف‌پذیری یا رضایت زناشویی رابطه نداشت. جنکینس (۲۰۰۶) نیز با نتایجی مشابه نشان دادند همسانی یا غیرهمسانی در توافق نتوانست رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. با این وجود پژوهش‌هایی چند وجود رابطه را گزارش کردند (بوتوین و همکاران، ۱۹۹۹؛ کوسک، ۱۹۹۶؛ واتسن و همکاران، ۲۰۰۰). چنین نتیجه‌ای شاید بدین علت باشد که زوج‌های انعطاف‌پذیر تفاوت در ابعاد انعطاف‌پذیری را تحمل می‌کنند. تبیین دیگر را نجمک و آلسن (۱۹۹۹) اینگونه اظهار می‌کنند که فقدان رابطه رضایت زناشویی

با همسانی در انعطاف‌پذیری به این ویژگی زنان برمی‌گردد که نسبت به مردان استانداردهای بالاتری را برای دامنه وسیعی از خصیصه‌های شخصیتی مطلوب اجتماعی همسر مورد نظر خود در نظر دارند. چنین استانداردهای سختگیرانه‌ای ممکن است سبب کاهش رضایت رابطه‌ای در عامل انعطاف‌پذیری یا کاهش رضایت زناشویی شود هنگامی که در این عامل همسانند. پژوهش‌های بیشتر می‌تواند تعیین کند اینکه آیا زنان هنگامی که شوهران آنها در انعطاف‌پذیری در سطوح بالاتری هستند، رضایت زناشویی بالاتری دارند؟

نتایج نشان داد بین روان‌رنجور خویی با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همخوان با این نتیجه، پژوهش‌های قبلی (برای نمونه: باس، ۱۹۹۱؛ گیست و گیلبرت، ۱۹۹۶؛ کردک، ۱۹۹۷؛ بوچارد، لیوزیر، سابورین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ عارفی، ۱۳۹۲؛ رازقی و همکاران، ۱۳۹۰) رابطه منفی این دو متغیر را گزارش نموده‌اند. داشتن احساسات منفی مانند ترس، غم، برانگیختگی، خشم، احساس گناه، احساس کلافگی دایمی و فراگیر مبنای این شاخص را تشکیل می‌دهند (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸)، چنین احساساتی به طور منطقی نمی‌تواند تأمین‌کننده مؤلفه‌های رضایت زناشویی (از جمله صمیمیت روان‌شناختی، ارتباط مؤثر و حل تعارض و ...) شود. در واقع روان‌رنجور خویی ویژگی شخصیتی است که اضطراب خصیصه‌ای و بی‌ثباتی هیجانی را نشان می‌دهد که در پژوهش‌های قدیمی‌تر (از جمله پوند، ریل و هامیلتون<sup>۲</sup>، ۱۹۶۳) هم تأثیرات مخرب آن بر کیفیت زناشویی به تأیید رسیده است. آیزنک و اکیفیلد<sup>۳</sup> (۱۹۶۹) دریافتند روان‌رنجور خویی و روان‌گسستگی<sup>۴</sup> در زوجین منجر به ناراضی زناشویی می‌شود. نتایج یک مطالعه طولی که بر روی ۳۰۰ زوج و در طی دوره زمانی ۵۰ ساله به انجام رسید نشان داد که سطح نوروگرایی هر دو همسر یک تعیین‌کننده کلیدی کیفیت زناشویی بود (کلی و کنلی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷). به طور خاص، زوج‌هایی که طلاق گرفته بودند، یا از واحد زناشویی ناراضی

1. Bouchard, Lussier&Sabourin
2. Pond, Ryle & Hamilton
3. Eysenck&Wakefield
4. psychotieism
5. Kelly & Conley

بودند سطح نوروگرایی قبل از ازدواج‌شان بالاتر بود. کارنی و بردبری<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) پیشنهاد می‌کنند با توجه به قدرت خیلی زیاد خصیصه نوروگرایی در پیش‌بینی پیامدهای زناشویی، بهتر است تأثیر سایر خصایص شخصیتی با کنترل خصیصه نوروگرایی مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد بین عامل برونگرایی و رضایت زناشویی در زنان و مردان رابطه مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش قلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد بین برونگرایی و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. در مورد رابطه برونگرایی با رضایت زناشویی نتایج تاحدی متناقض است. لیستر<sup>۲</sup> و دیگران (۱۹۸۹) دریافتند هنگامی که برونگرایی در هر دو زوج بالاست عدم رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. تحقیقاتی دیگر نشان دادند مثبت یا منفی بودن رابطه رضایت زناشویی به درونگرایی مردان و برونگرایی زنان برمی‌گردد (باری<sup>۳</sup>، ۱۹۷۰) یا بالعکس. رضایت زناشویی رابطه مثبتی با برونگرایی مردان و درونگرایی زنان دارد (کتل و نسلرود<sup>۴</sup>، ۱۹۶۷).

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد با افزایش نمرات زوجین در عامل وظیفه‌شناسی، سطح رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. در همین راستا کوساک<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) دریافت بین وظیفه‌شناسی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. گری<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) تأکید داشت وجود وظیفه‌شناسی و عواطف مثبت با کیفیت رابطه ادراک شده توسط هر دو زوج رابطه مثبت داشت و این خصیصه‌ها به‌طور پایداری رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش عارفی (۱۳۹۲) و رازقی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد وظیفه‌شناسی به‌طور مثبت می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. عطاری و همکاران (۱۳۸۵) دریافتند بین وظیفه‌شناسی و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد.

- 
1. Karney& Bradbury
  2. Lester
  3. Bary
  4. Cattell&Nesselroad
  5. Kosak
  6. Gray

به‌طور کلی از نتایج پژوهش حاضر می‌توان استنباط کرد ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند میزانی از واریانس رضایت زناشویی زوجین را تبیین کنند که این مهم از دو منظر قابل توجه است. یکی اینکه ویژگی‌های شخصیتی از جمله روان رنجورخویی (در جهت کاهشی) و برونگرایی، توافق و وظیفه‌شناسی (در جهت مثبت) با رضایت زناشویی مرتبطند. از دیگر سو همسانی ویژگی‌های شخصیتی زوجین به‌طور برجسته‌ای می‌تواند رضایت زناشویی هر دو همسر را متأثر سازد. به عبارتی افراد هنگامی در زندگی زناشویی احساس رضایت دارند که پروفایل شخصیتی همسرشان نموداری هم‌ارز با خود داشته باشند. براساس نتایج پژوهش حاضر به‌غیر از عامل انعطاف‌پذیری، همسانی شخصیتی زوجین در چهار عامل بزرگ روان رنجورخویی، برونگرایی، توافق و وظیفه‌شناسی به‌طور مثبتی با رضایت زناشویی مرتبط بود و همسانی شخصیتی زوجین توانست ۲۹ درصد واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند.

براساس نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود مشاوران خانواده در دو سطح توجه به ویژگی‌های شخصیتی زوجین را کانون مداخلات خویش قرار دهند. نخست در مشاوره‌های پیش از ازدواج همسانی شخصیتی نامزدها براساس پنج عامل بزرگ شخصیت را مورد توجه قرار دهند و به‌طور ویژه ظرفیت‌های بالقوه بعضی خصایص شخصیتی از جمله روان رنجورخویی (پیش‌آگهی بد در آسیب‌های ازدواج) و برونگرایی، توافق و وظیفه‌شناسی (پتانسیل مثبت) در آتیه زندگی زناشویی و سازگاری زوجین را مورد توجه قرار دهند. دوم در مشاوره‌های زناشویی در مراحل گوناگون درمان؛ تشخیص، مداخله پروفایل غالب شخصیت زوجین و تشابهات و تفاوت‌های شخصیتی آنها را مطرح نظر قرار دهند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر حساس نشدن به خرده‌مقیاس‌های هر کدام از عامل‌ها بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی همسانی شخصیتی زوجین براساس خرده‌مقیاس‌های هر کدام از پنج عامل و نقش آنها در معادله رگرسیون پیش‌بینی رضایت زناشویی بررسی شود. نتایج پژوهش حاضر به‌طور مشخص بر والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی که تجربه طلاق نداشتند، قابل تعمیم است، در تعمیم نتایج به تمامی زوجین کرمانشاهی و دگر جامعه‌ها باید



جانب احتیاط را نگه داشت. متغیرهای بافتی از جمله قومیت، فرهنگ و مذهب ممکن است معادله را تغییر دهند.

### سیاس و قدردانی

مقاله حاضر از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه استخراج شده است و تمامی هزینه‌های مالی آن توسط معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه پرداخت شده است.

### منابع فارسی

- تنبایی، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده*، تهران: انتشارات بعثت.
- رازقی، نرگس؛ نیک جو معصومه؛ کراسکیان موجمباری، آدیس و ظهراپی مسیحی، آرینه. (۱۳۹۰). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایت زناشویی. *روان شناسی تحولی*، ۷، (۲۷).
- عارفی، مختار. (۱۳۹۲). رابطه سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی نوجوانان کرمانشاهی، *پژوهش‌های مشاوره*، زیر چاپ.
- قلی زاده، زلیخا؛ برزگری، لیلا؛ غریبی، حسن؛ و باباپور خیرالدین، جلیل. (۱۳۸۹). بررسی رابطه پنج عامل شخصیت با رضایت زناشویی. *مجله دانشور رفتار*، ۱۷، (۴۳).

### منابع لاتین

- Acitelli, L. K., Kenny, D. A., & Weiner, D. (2001). The importance of similarity and understanding of partners' marital ideals to relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 8, 167-185.
- Bentler, P. M., & Newcomb, M. D. (1978). Longitudinal study of marital success and failure. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 46, 1053-1070.
- Botwin, M. D., Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). Personality and mate preferences: Five factors in mate selection and marital satisfaction. *Journal of Personality*, 65(1), 107-136.

- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 651-660.
- Burleson, B. R., & Denton, W. H. (1992). A new look at similarity and attraction in marriage: Similarities in social-cognitive and communication skills as predictors of attraction and satisfaction. *Communication Monographs*, 59, 268-287.
- Buss, D. M. (1991). Conflict in married couples: Personality predictors of anger and upset. *Journal of Personality*, 59, 663-688.
- Byrne, D. (1971). *The attraction paradigm*. New York: Academic Press.
- Carroll, J. S., Badger, S. & Yang, C. (2006). The Ability to Negotiate or the Ability to Love? Evaluating the Developmental Domains of Marital Competence. *Journal of Family Issues*, 27(7), 1001-1032.
- Caspi, A., & Herbner, E. S. (1990). Continuity and change: Assortative marriage and the consistency of personality in adulthood. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 250-258.
- Christensen, A., Jacobson, N. S., & Babcock, J. C. (1995). Integrative behavioral therapy. In N. S. Jacobson & A. S. Gurman (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* (pp. 31-64). New York: Guilford.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Eysenck, H. J., & Wakefield, J. A. (1981). Psychological factors as predictors of marital satisfaction. *Advances in Behavior Research and Therapy*, 3, 151-192.
- Furler, K., Gomez, V., Grob, A., (2013). Personality similarity and life satisfaction in couples. *Journal of Research in Personality*, Volume 47, 4, 369-375
- Gattis, K. S., Berns, S., Simpson, L. E., & Christensen, A. (2004). Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions, similarity, and marital quality. *Journal of Family Psychology*, 18, 564-574.
- Geist, R. L., & Gilbert, D. G. (1996). Correlates of expressed and felt emotion during marital conflict: Satisfaction, personality, process, and outcome. *Personality and Individual Differences*, 21, 49-60.
- Jacobson, N. S., & Christensen, A. (1996). *Integrative couple therapy: Promoting acceptance and change*. New York: Norton.
- Jenkins, J., (2006). *An investigation of marital satisfaction: Assortative mating and personality*. ProQuest Dissertations and Theses; ProQuest Dissertations & Theses Full Text.
- Johnson, S. M., & Greenberg, L. S. (1995). The emotion-ally focused approach to problems in adult attachment. In N. S. Jacobson & A. S. Gurman (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* . (121-141). New York: Guilford.
- Kamey, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.

- Kelly, E. L., & Conley, J. J. (1987). Personality and compatibility: A prospective analysis of marital stability and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 27-40.
- King, L. A. (1993). Emotional expression, ambivalence over expression, and marital satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 601-607.
- Klohnen, E. C., & Luo, S. (2003). Interpersonal attraction and personality: What is attractive—self similarity, ideal similarity, complementarity or attachment security? *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 709–722.
- Kosek, R. B. (1996). The quest for a perfect spouse: Spousal ratings and marital satisfaction. *Psychological Reports*, 79, 731-735.
- Kurdek, L. A. (1997). Relation between neuroticism and dimensions of relationship commitment: Evidence from gay, lesbian, and heterosexual couples. *Journal of Family Psychology*, 11, 109-124.
- Lester, D., Haig, C. & Monello, R. (1989). Spouses' personality and marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 10, 253-254.
- Long, E. C. J., & Andrews, D. W. (1990). Perspective taking as a predictor of marital adjustment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 126-131.
- Long, E. C. J., & Andrews, D. W. (1990). Perspective taking as a predictor of marital adjustment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 126-131.
- Murray, S. L., Holmes, J. G., & Griffin, D. W. (1996). The benefits of positive illusions: Idealization and the construction of satisfaction in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 79-98.
- Nemeczek, S., & Olson, K. R. (1999). Five-factor personality similarity and marital adjustment. *Social Behavior and Personality*, 27, 309-318.
- Richmond, L. D., Craig, S. S., & Ruzicka, M. F. (1991). Self-monitoring and marital adjustment. *Journal of Research in Personality*, 25, 177-188.
- Rose, N. (2010). Neuroticism, Marital Interaction, and Relationship Satisfaction An Exploration of Affect Mediation. A thesis submitted to the Faculty of the Graduate School of the University of Colorado in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy Department of Psychology
- Rosen -Grandon, J. R., & Myers, J. E. & H a t t e. (2004). relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Development*. 68(82).
- Russell, R., J., & Wells, P. A. (1991). Personality similarity and quality of marriage. *Personality and Individual Differences*, 12, 407–412.
- Snyder, D. K., & Regts, J. M. (1990). Personality correlates of marital dissatisfaction: A comparison of psychiatric, maritally distressed, and nonclinical samples. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 16, 34-43.
- Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence fro.